



Evaluating the Effectiveness of Natural Theories of Religious Education In Organizing the Process of Religious Education in the Formal System

Mahmoud Nozari¹

DOI:

10.30497/esi.2024.246190.1770



Abstract

For more than two decades, planners in the official education system have been trying to compile and present religious education curriculum based on nature. Numerous researches have been conducted in these two decades with the aim of helping to provide scientific foundations for the adaptation of religious education to nature. In this article, the success rate of the conducted researches in achieving the above goal is evaluated and at the same time it shows that the theory is efficient to answer the questions that arise in the official system about how to adapt religious education to nature. What is it and what are its features and how is its production method? The research method is descriptive-analytical-inferential and the findings of the research show that the researches can be divided into three categories according to the ability to produce educational sciences needed for the adaptation of religious education to nature: abstract, relatively practical and applied. Meanwhile, these three categories are the only applied researches that have the full capacity to answer the questions that arise in the official system.

Keywords: religious education, nature, formal education system, religious education

1. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Hawza and University Research Institute, Qom, Iran.
mnowzari@rihu.ac.ir

ارزیابی کارآمدی نظریه‌های فطری آموزش دین در سامان‌بخشی به فرآیند تربیت دینی در نظام تعلیم و تربیت رسمی

محمود نوذری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹

DOI: 10.30497/esi.2024.246190.1770

چکیده

بیش از دو دهه است که برنامه‌ریزان در نظام تعلیم و تربیت رسمی تلاش می‌کنند تا برنامه درسی آموزش دین را مبتنی بر فطرت تدوین و ارائه کنند. پژوهش‌های متعددی نیز در این دو دهه، با هدف کمک به فراهم کردن بنیان‌های علمی برای انطباق آموزش دین بر فطرت انجام شده است. این مقاله ضمن ارزیابی میزان توفیق پژوهش‌های انجام شده در دستیابی به هدف فوق، در صدد شناسایی نظریه کارآمد به منظور پاسخگویی به پرسش‌هایی در زمینه چیستی، چرایی و چگونگی انطباق آموزش دین بر فطرت در نظام تعلیم و تربیت رسمی بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نشان داد که مطالعات انجام شده را از حیث میزان توانایی در تولید علوم تربیتی مورد نیاز برای انطباق آموزش دین بر فطرت می‌توان به سه دسته انتزاعی، نسبتاً کاربردی و کاربردی تقسیم کرد. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر این است که از میان سه دسته مذکور، پژوهش‌های کاربردی واجد ظرفیت کامل برای پاسخگویی به پرسش‌هایی است که در نظام تعلیم و تربیت رسمی در زمینه انطباق دین بر فطرت مطرح می‌گردد.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، فطرت، نظام تعلیم و تربیت رسمی، آموزش دین

بیان مسئله

آموزش دین در نظام تعلیم و تربیت رسمی، فعالیتی برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند است که با هدف شکل‌دهی به باورها و احساسات و اعمال دینی و ایجاد تحول در دانش آموزان انجام می‌شود. به لحاظ تاریخی این فرآیند از ابتدای گنجانیدن دروس دینی در برنامه درسی مدارس تا سال ۱۳۸۰ به این صورت انجام می‌شد که محتوای آموزش دینی از دانش معارف اسلامی و روش‌های تدوین برنامه درسی، تولید کتاب درسی، تدریس و ارزشیابی از علوم تربیتی رایج اخذ می‌شد (طباطبایی نژاد و نوذری، ۱۴۰۳، ص ۱۷).

از سال ۱۳۸۰، عالمان تربیتی اقدام به انجام پژوهش‌هایی کردند تا علوم تربیتی مورد نیاز برای چگونگی آموزش دین را مبتنی بر فطرت تولید کنند (برای نمونه حق دوست و فرخی، ۱۳۸۴؛ اعتصامی و راصد، ۱۳۹۰؛ ملکی، ۱۳۹۱؛ مرزوقی و حدادینیا، ۱۳۹۳؛ نوذری، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و حیدری، ۱۴۰۱) و از این طریق از وابستگی تدوین برنامه درسی دینی به علوم تربیتی رایج بکاهند و در نتیجه میزان دستیابی به اهداف آموزش دین را ارتقا بخشند.

مفروضه اساسی در این ایده این است که می‌توان مبانی نظری لازم برای چگونگی طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی دینی را مبتنی بر نظریه‌ای درباره فطرت^۱، تولید کرد و بهره‌گیری از علوم تربیتی رایج را کاهش داد. در واقع عالمان علوم تربیتی در صدد برآمدند تا مبتنی بر نگاه فطری نگر به انسان که در آثار عالمان بزرگی همچون شاه‌آبادی (۱۳۹۷)، امام خمینی (۱۳۷۷)، علامه طباطبایی (۱۳۸۷)، شهید مطهری (۱۳۶۹) و جوادی آملی (۱۳۸۶) و بطور کلی فیلسوفان نوصدرایی ترویج شده است، دانشی تربیتی را تولید کنند که واسطه طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی دینی شود.

۱. ایده اساسی در مبحث فطرت این است که خداوند انسان را برای نیل به هدف خاصی آفریده و برنامه‌ای در ساختار وجودی او نهاده است که او را به سوی آن هدف هدایت می‌کند. بر این اساس فطرت‌شناسی مطالعه‌ای به منظور کشف نظام هدایتگری فطری است که خداوند برای نیل به هدف از آفرینش انسان، در ساختار اولیه وی نهاده است. این کشف نیز مبنایی را برای انجام فعالیت‌هایی نظیر تعیین اهداف، اصول‌گزینش و ساماندهی به محتوا، روش‌های تدریس و اصول ارزشیابی در همه درسها یا درس دینی بطور خاص فراهم می‌کند. این ایده بیشترین توجه برنامه‌ریزان را در دو دهه اخیر، بویژه پس از گزینش فطرت‌گرایی توحیدی به عنوان رویکرد حاکم بر تدوین برنامه درسی ملی، به خود جلب کرده است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱) برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسات ۸۵۷ الی ۸۷۲).

پژوهش‌های متعددی (برای نمونه: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: نوذری، ص ۸، ذوعلم، ص ۶۴، مرزوقی، ص ۱۳۷ و ملکی، ص ۲۳۷) نیز برای استخراج لوازم فطرت برای چگونگی آموزش بطور کلی و آموزش دین بطور خاص بوسیله عالمان علوم تربیتی و عمدتاً به سفارش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام شده است و نتایج برخی از آنها در کتاب «گفتارهایی درباره برنامه درسی فطرت‌گرا بر اساس برنامه درسی ملی» آمده است.

ناظر به این وضعیت، این مقاله در صدد ارزیابی این موضوع است که این ایده تا چه میزان تحقق عینی یافته و پژوهش‌های انجام شده به چه میزان منظومه علوم تربیتی مورد نیاز برای سامان بخشی به آموزش دین در نظام رسمی تعلیم و تربیت را تولید و مجریان امر آموزش دین را از مراجعه به علوم تربیتی رایج بی نیاز کرده است.

نتایج این پژوهش حاکی از سیر تحولی از نظریه‌های انتزاعی به نظریه‌های کاربردی است، نظریه‌های انتزاعی از کمترین سطح کارآمدی برای حل و فصل مسائل عینی و نظریه‌های کاربردی از بیشترین سطح کارآمدی و بین این دو دسته نظریه‌های نسبتاً کاربردی قرار دارد. در عین حال راهی طولانی در رسیدن به وضع مطلوب در پیش است. بر این اساس نتایج پژوهش در سه بخش زیر ارائه می‌شود:

۱) نظریه‌های انتزاعی آموزش فطری دین

۲) نظریه‌های نسبتاً کاربردی آموزش فطری دین

۳) نظریه‌های کاربردی آموزش فطری دین

مفاهیم اساسی

نظریه‌های فطری آموزش دین: نظریه‌های فطری آموزش دین عنوانی است که در اینجا برای تسهیل بررسی‌ها، برای پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌های انتخاب شده که با هدف انطباق فرآیند آموزش بطور کلی یا آموزش دین بطور خاص بر ساختار فطری انسان انجام شده است. این نظریه‌ها از ترکیب دو نظریه، یعنی یک نظریه درباره ماهیت فطرت و یک نظریه تربیتی تشکیل شده است.

آموزش دین: آموزش دین مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور شکل‌دهی به باورها، احساسات، اعمال دینی و ایجاد تحول در آنها (یا بطور خلاصه شکل‌دهی به هویت دینی به

معنای فراگیر) انجام می‌شود.

منظومه علوم تربیتی فطری: منظومه علوم تربیتی فطری به معنای دانش‌های تربیتی توصیفی یا تجویزی است که مبتنی بر نظریه‌ای درباره ماهیت فطرت، برای سامان بخشی به فرآیند تربیت دینی در نظام رسمی تعلیم و تربیت تولید می‌شوند. منظومه بودن آنها به این خاطر است که نگاه فطری به انسان مبنای تولید آنها را فراهم می‌کند. با توجه به تناسب این علوم با اهداف نظام رسمی تعلیم و تربیت، می‌توان آنها را به عنوان علوم تربیتی معیار برای هدایت فعالیت‌های تربیت دینی در نظام تعلیم و تربیت رسمی در نظر گرفت.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش کیفی و به لحاظ هدف بنیادی است. ابزار گردآوری داده‌ها مطالعه اسنادی و روش تحلیل داده‌ها توصیفی-تحلیلی-استنباطی مسئله محور است؛ بدین معنا که پژوهش-های انجام شده بر حسب میزان برخورداری از معیار انتزاعی بودن یا کاربردی بودن، تحلیل و جایگاه آنها در مسیر تحول مشخص می‌شود. راهبرد تحقیق از جهت مراجعه به آثار مربوط به فطرت، استقرائی و از جهت تحلیل و طبقه‌بندی دیدگاه‌ها، قیاسی است. اعتمادپذیری پژوهش، مبتنی بر دقت ضبط و مستندسازی فرایند است که با رویکرد قیاسی انجام شده است و اعتباریابی آن به دقت در تحلیل‌ها و قوت استنباطهای به کار رفته است که توسط ارزیابان قابل رصد و اعتبارسنجی است.

معیار انتزاعی بودن یا کاربردی بودن نیز بر حسب سه شاخص زیر مشخص می‌شود:

۱. تبیین هدف از آفرینش انسان بر حسب صرف هدف غایی یا نظامواره اهداف: در مبحث فطرت‌شناسی، پژوهشگر در واقع در جستجوی امری است که هدف آفرینش را محقق می‌کند، لذا فهم پژوهشگر از هدف آفرینش انسان، جهت‌دهنده و راهنمای او در کشف مسیر فطری است که خداوند برای نیل به هدف در ساختار اولیه وی نهاده است؛ برخی در بیان اهداف تنها به بیان هدف غائی نظیر توحید ربوبی یا مقام خلیفه الهی اکتفا کرده و لذا در مبحث فطرت‌شناسی در جستجوی کشف امری فطری نظیر گرایش فطری به توحید برآمده‌اند که انسان را به سوی درک توحیدی از جهان سوق می‌دهد.

دسته دوم به بیان هدف غایی اکتفا نکرده، بلکه اهداف را در قالب اهداف غایی، واسطی و جزئی دیده‌اند، لذا در مبحث فطرت‌شناسی به جای جستجو از صرف امر فطری، در

جستجوی نظام هدایتگری فطری برآمده است که زمینه تحقق اهداف جزئی، واسطی و غایی را فراهم می‌کند و در نتیجه دانش گسترده‌تری برای انطباق آموزش دین با فطرت در اختیار می‌گذارد. لذا تبیین هدف از آفرینش انسان بر حسب هدف غایی یا نظامواره اهداف به عنوان یک معیار در کارآمدی نظریه لحاظ شده است.

۲. تبیین فطرت و امور فطری بر حسب امری مربوط به بعد متعالی انسان یا کلیت وجود او: دو نوع تبیین از فطرت که موجب تفاوت توانایی نظریه‌ها در انطباق آموزش دین با ساختار فطری انسان شده است. در تبیین اول، فطرت به بعد انسانی، روحانی و متعالی انسان تفسیر می‌شود و امور فطری معادل وجود گرایش‌های خاصی مانند گرایش خداجویی و خداپرستی در نظر گرفته می‌شود که وی را به سوی تحقق بعد متعالی سوق می‌دهد.

در تبیین دوم، فطرت امری فرض می‌شود که به کلیت وجود انسان مربوط می‌شود؛ به این معنا که ساختار روح، بدن و نیروهای روانی و بدنی به گونه‌ای آفریده شده‌اند که فعالیت آنها موجب راه‌اندازی فرآیند رشد مرحله‌ای انسان در حیات زمینی می‌شود و رشد مرحله‌ای مقدمه‌ای برای تحقق ایمان و ایمان، واسطه ظهور و بروز معرفت و عشق به خداوند می‌شود. امور فطری به منزله یک نظام هدایتگری فطری نظر گرفته می‌شود که زیست‌بوم مناسب برای تحقق ایمان و ظهور و بروز معرفت و عشق به خداوند را فراهم می‌کند.

۳. تبیین گستره علوم تربیتی فطری در قالب نظریه‌ای مربوط به یکی از قلمروهای علوم تربیتی یا علوم تربیتی نظامند: توضیح اینکه ابتدای واقعی آموزش دین بر فطرت در نظام تعلیم و تربیت رسمی مستلزم فطرت‌شناسی و تولید علوم تربیتی توصیفی و تجویزی (عملی) نظامند (نظیر مراحل رشد دینداری، سنجش دینداری و یادگیری دینی و برنامه درسی) است که در مجموع علوم تربیتی معیار را برای تدوین برنامه درسی دینی، تألیف کتاب‌های درسی دینی و تدریس آن مشخص می‌کند. کلمه «نظامند» در عبارت فوق، به معنای هویت‌بخشی به علوم تربیتی تولید شده بوسیله فطرت است به گونه‌ای که هویت دانش تولید شده مبتنی بر فطرت، از سایر هویت‌های رایج علوم متمایز شود. طبق این معیار هرچه فهم نظریه‌ای از گستره نیاز به علوم تربیتی و تولید آن در چهارچوب فطرت افزایش یابد، کارآمدی آن نیز افزایش می‌یابد.

۱. نظریه‌های انتزاعی آموزش فطری دین

نظریه‌های انتزاعی آموزش فطری نظریه‌هایی هستند که پیامد آنها، ارائه ایده‌ای کلی درباره

ارزیابی کارآمدی نظریه‌های فطری آموزش دین در سامان بخشی ... / محمود نوذری ۴۹

چگونگی سامان بخشی به آموزش دین است اما با ارائه یک ایده کاربردی و عملیاتی برای برنامه‌ریزان در تدوین برنامه درسی دینی و معلمان دینی در فرآیند آموزش دینی فاصله زیادی دارند.

مفروض نظریه‌های انتزاعی در فهم هدف آفرینش، فطرت و امور فطری این است که هدف خداوند از آفرینش انسان دستابی به توحید ربوبی است، فطرت امری مربوط به بعد انسانی، روحانی و متعالی انسان است و نه کلیت وجود او و فطرت‌شناسی مطالعه‌ای است که با هدف کشف انواع شناخت فطری یا گرایش فطری مانند گرایش خداجویی و خداپرستی انجام می‌شود. یافته‌های آن‌ها برای آموزش دین در قالب یکی از اجزای نظام تربیتی یا تمام اجزای نظام تربیتی مانند اهداف، اصول و روش‌ها تربیتی ارائه می‌شود. انطباق فطرت و دین نیز به معنای این است که آموزه‌های دینی ناظر به پرورش شناخت‌ها یا گرایش‌های فطری توحیدی یا هر دو است و التزام به آنها زمینه آشکار شدن آنها را فراهم می‌کند.

در حوزه مطالعات آموزش دین مبتنی بر دیدگاه فطرت، اصل اختصاص فطرت به بعد انسانی، روحانی و متعالی انسان و نه جنبه غریزی و طبیعی انسان در ابتدا به وسیله شهید مطهری مطرح شده است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۶۵) و دیگران با اخذ این دیدگاه از وی تلاش کرده‌اند تا لوازم آن را برای آموزش دین نشان دهند. به عنوان نمونه اعتصامی و راصد با الهام از همین دیدگاه، اصولی را برای تدوین محتوا و تدریس برمی‌شمارد:

(۱) توجه به حقیقت کمال‌گرای انسان، (۲) توجه به عقلانیت، (۳) جمع میان عقل و عرفان، (۴) توجه به بعد زیباگرایی انسان و (۵) توجه به رشد معتدل و همه‌جانبه انسان (اعتصامی و راصد، ۱۳۹۰، ص. ۴۰).

مرزوقی و حدادنیا (۱۳۹۳) با الهام از این دیدگاه به تعریف تربیت می‌پردازد و لوازم آن را برای آموزش دین در قالب روش‌های داستان‌گویی، مواجهه با طبیعت، اشعار اخلاقی، جذاب نمودن تکالیف دینی، ایجاد شور و حس دینی، خود فعالی، پرسش و پاسخ، ایجاد خلاقیت و تمثیل توضیح می‌دهد. طوسی (۱۳۹۴) نیز لوازم فطرت برای آموزش دین را به نحوی کاملتر در قالب اهداف، اصول و روش‌ها توضیح می‌دهد.

در مجموع در نظریه‌های انتزاعی، پژوهشگر مبتنی بر تبیین ماهیت فطرت، به استنباط دانش تربیتی در قلمرو اهداف، اصول و روش‌ها یا اصول و روش به تنهایی اقدام می‌پردازد.

کارکرد آنها نیز هدایت افکار به شکلی کلی به سوی فرآیند تربیت در نظام رسمی تعلیم و تربیت است اما ایده‌ای را برای هدایت چگونگی انجام فعالیت عینی مورد نیاز طراحان برنامه درسی، مؤلفان و معلمان ارائه نمی‌کند، به عنوان نمونه توضیح نمی‌دهند که فطرت چگونه بر مسائل عینی زیر پرتوافکنی می‌کند:

(۱) مرتبه قابل تحقق هدف غایی در دوره‌ها و پایه‌های آموزشی چیست؟ (۲) منابع تدوین محتوا و اصول گزینش و ساماندهی آن، برای نیل به اهداف قابل تحقق تربیت دینی در دوره تحصیلی خاص کدام است؟ (۳) روش‌های تدریس مناسب محتوای تدوین شده چیست؟ (۴) نقش مربی در تربیت دینی چیست و ویژگی‌های شناختی، عاطفی و مهارتی مورد نیاز برای انجام مطلوب عمل تربیتی در دوره‌های مختلف تحصیلی کدام است؟ (۵) شیوه ارزشیابی که توانایی ارزیابی میزان نیل به اهداف واسطی و غایی را داشته باشد، کدام است؟ (۶) فرآیند طراحی و تألیف کتاب درسی مبتنی بر فطرت چگونه است؟ (۷) امور فطری به عنوان اموری که در نظام روانی انسان از همان زمان کودکی فعال هستند، چگونه و طی چه فرایندی در حال شکل‌دهی به ایمان و دینداری هستند و چگونه می‌توان به شناسایی فعالیت آنها نائل شد؟

وضعیت مذکور ناشی از تبیین ناقصی است که از چهار مفهوم اساسی شکل دهنده به نظریه فطری، ارائه شده است، محدود شدن فهم از هدف آفرینش به هدف غایی و فهم از گستره نیاز به علوم تربیتی به قلمرو نظام تربیتی در قالب اهداف، اصول و روش‌ها، بطور طبیعی توانایی نظریه را در حل و فصل مسائل عینی کاهش می‌دهد. لازم به توضیح است که از ظهور ایده نیاز به تولید علوم تربیتی بومی و اسلامی بیش از پنج دهه می‌گذرد و در چهار دهه اول آن، همین رویکرد بر تلاش‌ها حاکم بوده و قریب ده سال است که تلاش برای فراتر رفتن از ارائه دانش تربیتی در قالب اهداف، اصول و روش‌ها، آغاز شده است.

۲. نظریه نسبتا کاربردی آموزش فطری دین

تفاوت نظریه نسبتا کاربردی با نظریه انتزاعی در این است که در این گونه نظریه‌پردازی، پژوهشگران تلاش می‌کنند تا از ارائه نظریه‌ای فطری در قالب مجموعه‌ای از اهداف، اصول و روش‌های تربیتی فراتر روند و لوازم نظریه فطرت را برای قلمروهای علوم تربیتی نظیر برنامه درسی نشان دهند.

پیدایش این ایده ریشه در ورود پژوهشگران به عرصه فعالیت «تدوین سند تحول بنیادین در نظام رسمی و عمومی (۱۳۹۰)» و فعالیت عملی برای تحقق آن دارد. در این فرآیند پژوهشگران بتدریج متوجه این نکته شدند که نظریه‌های تربیتی با عناوین فلسفه تربیت اسلامی یا نظام تربیتی در اسلام و سایر عناوین از عهده پاسخگویی به پرسش‌های عینی که در فرآیند طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی پیش می‌آید، بر نمی‌آیند و پاسخگویی به آنها نیازمند امتدادبخشی نظریه‌های مبنایی به سایر قلمروهای علوم تربیتی است. برای نمونه صادق‌زاده (۱۳۹۱) بیان می‌کند که با تدوین سند تحول آموزش و پرورش مجموعه منسجمی آماده شده که برای کاربر است، کارگزاران تربیتی به شدت نیازمند چهارچوب نظری مدون معیار و معتبری متناسب با اصول و مبانی اسلامی و همچنین عناصر فرهنگ بومی هستند که در میان دیدگاه‌های متنوع و حتی متناقض امروزیین تکلیف آن‌ها را در مقام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و عمل تربیتی مشخص نماید.

تلاش محققان برای عملی‌سازی این ایده منجر به تولید نظریه‌هایی در قلمرو دانش روانشناسی و تربیتی شد. به عنوان نمونه علم‌الهدی (۱۳۹۸) نظریه رشد اسلامی؛ و باقری (۱۳۸۹) اهداف و اصول فلسفی مربوط به برنامه دروس تاریخ، علوم انسانی و ریاضی و طبیعی را مبتنی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۱) مبانی نظری مقیاس‌های دینداری و فرم سنجش دینداری دانش‌آموزان را ارائه کرد.

بررسی‌ها با هدف استخراج لوازم نظریه فطرت برای قلمروهای علوم تربیتی بطور عمده بر استخراج لوازم آن برای قلمرو برنامه درسی بطور عام و برنامه درسی تربیت اعتقادی بطور خاص تمرکز یافته است (ر.ک: تجاری‌مقدم، امین، خندقی و سیدجواد، قندیلی، ۱۳۹۹؛ ملکی ۱۴۰۰؛ ابراهیمی، ۱۴۰۲ و ابراهیمی و نوذری، ۱۴۰۳). ماهیت نظریه‌های کاربردی با توضیحی درباره پژوهش ملکی که کاری نسبتاً جامع‌تر در این باره است، بیشتر روشن می‌شود. ملکی (۱۴۰۰) در کتاب هویت دینی برنامه درسی، تلاش کرده تا هویت دینی برنامه درسی را مبتنی بر فطرت توضیح دهد. وی در کتاب خود ابتدا به تبیین مفهوم فطرت و ابعاد شناختی و گرایشی آن همانند آنچه قبلاً گفته شد، می‌پردازد. اما تلاش می‌کند تا ساختار شناختی، گرایشی و توانشی فطری را نیز توضیح دهد و با دانشی گسترده‌تر درباره فطرت، به استخراج لوازم آن برای تعیین هویت دینی برنامه درسی بپردازد. بر این اساس وی به بررسی (۱)

مختصات برنامه درسی فطرت گرا، ۲) جایگاه هدف در برنامه درسی فطرت گرای توحیدی و ۳) الگوی برنامه ریزی درسی فطرت گرا پرداخته است و در این مبحث تلاش کرده تا چگونگی تعیین اهداف، اصول گزینش و سازماندهی به محتوا، روش های تدریس و اصول ارزشیابی را مبتنی بر فطرت توضیح دهد.

روشن است که نظریه های نسبتاً کاربردی از کارآمدی عملی بیشتری نسبت به نظریه های انتزاعی برخوردار است. چرا که هم توضیح بیشتری درباره ماهیت فطرت و امور فطری ارائه می دهد و هم به بیان اصول یا روش ها اکتفا نمی کند و با امتداد دادن نظریه فطرت به قلمرو برنامه درسی، بنیان های نظری لازم، برای پاسخگویی به برخی از پرسش های مطرح در نظام رسمی و عمومی تعلیم و تربیت، را در اختیار می گذارد. با این وجود به تولید علوم تربیتی با هویت واحد و جامع به عنوان علوم تربیتی معیار منجر نمی شود و نمی تواند انتظارات طراحان برنامه درسی، مؤلفان و معلمان دینی را بطور کامل برآورده سازد.

توضیح بیشتر درباره ایراد فوق اینکه تدوین برنامه آموزشی نظام مند و کارآمد در مراکز آموزشی رسمی و معتبر، مبتنی بر منظومه ای منسجم از نظریه های فلسفی، روان شناختی و تربیتی با هویت واحد انجام می شود، به این صورت که بین نظریه مبنایی (نظریه فلسفی درباره جهان و انسان) و فعالیت طراحی برنامه آموزشی، مجموعه ای از نظریه ها که از امتداد بخشی به نظریه مبنایی بدست آمده (نظیر نظریه پردازی در قلمرو مراحل تحول انسان، یادگیری و یا برنامه درسی) واسطه می شود تا برنامه درسی به شیوه علمی و منسجم تدوین و اجرا کنند و اجرای این روند در تولید نظریه های نسبتاً کاربردی مشاهده نمی شود.

لذا پژوهشگرانی که درصدد تدوین برنامه درسی مبتنی بر فطرت برای نظام رسمی و عمومی تعلیم و تربیت هستند، باید از طریق امتداد بخشی به فطرت، نظریه ای کلان و مشتمل بر خرده نظریه های پیش گفته تولید کنند تا بتواند به عنوان علوم تربیتی معیار، راهنمای مجریان در کلیه فعالیت های آموزشی، تربیتی و مدیریتی قرار گیرد.

۳. نظریه کاربردی آموزش فطری دین

نظریه کاربردی آموزش فطری دین نظریه ای است که در ادامه تلاش های پیشین و برای برطرف کردن کاستی های آنها در سامان بخشی به آموزش دین تدوین شده است. هدف پژوهش در نظریه های کاربردی تولید منظومه ای از علوم تربیتی از طریق امتداد بخشی به

ارزیابی کارآمدی نظریه‌های فطری آموزش دین در سامان بخشی ... / محمود نوذری ۵۳

نظریه فطرت^۱ است که بتواند مبانی نظری لازم برای انجام فعالیت‌های عینی مورد نیاز برنامه - ریزان در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مؤلفان در تدوین کتاب‌های دینی و مدیران و معلمان در محیط مدرسه را فراهم کند. عمده این فعالیت‌ها عبارتند از:

۱. تعیین نظامواره اهداف پرورش ساحت اعتقادی، اخلاقی، مناسکی در نظام رسمی و عمومی

۲. تعیین مرتبه قابل تحقق اهداف در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی

۳. تدوین برنامه درسی حوزه حکمت و معارف اسلامی

۴. طراحی و تدوین کتاب‌های درسی دینی

۵. طراحی الگویی برای آموزش دین در دوره دبستان و دبیرستان که توانایی تبدیل مدرسه به محیطی برای تحقق حیات طیبه به عنوان هدف غایی آموزش و پرورش داشته باشد.

علاوه بر این، برخی نویسندگان نیز با هدف تولید منظومه علوم تربیتی با ویژگی‌های فوق، مجموعه تلاشهایی را در خلال دو دهه گذشته آغاز کرده و پژوهش‌هایی را در جهت تولید این منظومه نظری سامان داده‌اند^۲ (برای نمونه: نوذری ۱۳۹۵، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱). این

۱. امتداد بخشی نظریه فطرت به حوزه تربیت به دو صورت انجام شده است؛ صورت اول نظریه‌پردازی به شکل غیر کلاسیک؛ به این معنا که نظریه در قالب علوم تربیتی رایج ارائه نمی‌شود و درعین حال امکان بکارگیری نظریه فطرت را برای حوزه تربیت دینی بویژه غیر رسمی آن فراهم می‌کند. نمونه اینگونه نظریه‌پردازی در مجموعه چهار جلدی با عنوان راه رشد که برگرفته از آثار حائری شیرازی (۱۴۰۲) است و نیز در مظلومی (۱۳۷۴) و در آثار صفایی حائری (۱۴۰۰)، و عبدالعظیم کریمی (۱۳۷۴) دیده می‌شود. صورت دوم نظریه‌پردازی به شکل کلاسیک و در قالب علوم تربیتی رایج است، ویژگی نظریه‌پردازی نوع دوم این است که بطور دقیق به نیازها در حوزه تربیت رسمی پاسخ می‌دهد.

۲. پژوهش نخست، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی با رویکرد روانشناختی - دینی (نوذری، ۱۳۸۹)، پژوهش بعدی، به سفارش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور پروژه پژوهشی توسعه مفاهیم اساسی برنامه درسی: فطرت گرایی توحیدی و ایمان (نوذری، ۱۳۹۵) انجام شد که ضرورت تولید نظریه‌ای مبتنی بر فطرت را روشن تر ساخت. در گام بعد با هدف مطالعه و بررسی دانش تولید شده در این حوزه، کتاب روانشناسی تحول دینداری (نوذری، ۱۳۹۶) به بررسی و نقد نظریه‌های تحول دینداری مبتنی بر امتداد رویکردهای روانشناسانه غربی در حوزه دینداری پرداخته است. سپس در پژوهش بعدی رویکرد اسلامی به مراحل تحول دینداری؛ از تولد تا هجده سالگی (نوذری، ۱۴۰۰) گامهای نخست نظریه پردازی در عرصه امتداد بخشی نظریه فطرت نزد اندیشمندان اسلامی را کامل تر نمود. پژوهشگر با امتداد این مبانی دانشی در پژوهش‌های بعدی با عنوان تربیت دینی در مقطع دبستان و دبیرستان (۱۴۰۱) و آموزش دینی؛ روش تدریس هدیه‌های آسمان (۱۴۰۳) سعی در ارائه الگو ذیل منظومه علوم تربیتی مبتنی بر نظریه فطرت نموده است.

پژوهش‌ها منابع نظری پژوهش حاضر را فراهم نموده است. نتایج این پژوهش‌ها در قالب منظومه‌ای از نظریه‌های تربیتی مرتبط با هم ارائه شده و در مجموع بخشی از بنیان‌های نظری لازم را برای انطباق فعالیت‌های آموزشی بر فطرت فراهم کرده است. این نظریه‌ها مشتمل است بر (۱) مبانی انسان‌شناختی تربیت دینی؛ (۲) مبانی تدین شناختی؛ (۳) مراحل تحول دینداری در گستره تولد تا ۱۸ سالگی؛ (۴) نظریه یادگیری دینی؛ (۵) الگوی تربیت دینی در دوره کودکستان اول و دوم و دبستان و دبیرستان و آموزش دینی (ر.ک: نوذری، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱).

دو تغییر اساسی در فرآیند تولید منظومه علوم تربیتی مبتنی بر فطرت در پژوهش‌های فوق وجود دارد که آن را با دو نوع نظریه‌پردازی قبلی و حتی نظریه‌پردازی فطری غیرکلاسیک متمایز کرده است:

اولین تغییر در فهم نظریه فطرت است؛ توضیح اینکه نظریه فطریه که در آثار عالمان دینی آمده، بدون تبیین نگاه آنها به جهان و انسان و ارائه تصاویری بزرگ و منسجم از نحوه هستی خداوند، جهان آفرینش و جایگاه انسان در آن به درستی فهم نمی‌شود. افزون بر این ظرفیت دیدگاه عالمان دینی درباره فطرت برای تولید علوم تربیتی متفاوت است و گزینش دیدگاهی که از بیشترین ظرفیت برای این کار برخوردار است، نقش مهمی در میزان تولید منظومه علوم تربیتی مورد نیاز دارد. در این پژوهش‌ها نویسنده، دیدگاه علامه طباطبایی درباره فطرت را مبنای پژوهش قرار داده و در چارچوب آن تصویری جامع و عمیق از نظریه فطرت ارائه نموده است.

دومین تغییر در ناحیه فرآیند تولید منظومه علوم تربیتی مبتنی بر فطرت است. توضیح اینکه در این پژوهش‌ها نویسنده، ابتدا روش‌شناسی تولید منظومه علوم تربیتی دانش تربیتی مبتنی بر نوع نگاه به جهان و انسان مشخص نموده و در چارچوب آن به تولید منظومه علوم تربیتی مورد نیاز که در بالا برخی از آنها اشاره شده، پرداخته است.

گرچه حاصل این پژوهش‌ها (نوذری، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۳ در قالب‌های مختلفی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است و ارائه گزارش مفصل آنها در فرصت این مقال نیست اما تلاش می‌شود گزارشی اجمالی و در عین حال منسجم از یافته‌های پژوهش در قالب سه محور زیر ارائه شود؛ به گونه‌ای که تمایز آن با دو دسته نظریه قبل هم معلوم شود:

۱- تبیین هستی خداوند، جهان آفرینش و جایگاه انسان در آن؛

۲- تبیین حقیقت انسان و هدف خداوند از آفرینش او؛

۳- تبیین هویت نظام هدایتگری فطری به منزله امر محقق کننده هدف آفرینش.

۳-۱. تبیین هستی خداوند، جهان آفرینش و جایگاه انسان در آن

تبیین فطرت به معنای آفرینش خاص انسان از دیدگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۴) و بطور کلی پیروان حکمت متعالیه، با تبیین نحوه هستی خداوند، جهان آفرینش و جایگاه انسان در آن فهم می‌شود. چرا که تبیین فطرت به معنای نشان دادن مسیری است که خداوند در سرشت اولیه انسان برای نیل به هدف آفرینش انسان در وی نهاده است و معلوم نمودن این مسیر وابسته به تصویری است که از نحوه وجود آفریننده جهان، آفریده‌ها، جایگاه انسان در بین آفریده‌ها و هدف از آفرینش وی ارائه می‌شود. تصویر مذکور که در واقع تصویری بزرگ از جهان هستی (جهان مشتمل بر خداوند، آفریده‌ها و جایگاه انسان در بین آفریده‌هاست) است با مشخص کردن جایگاه انسان در بین آفریده‌ها و مبدأ و مقصد آفرینش وی، زمینه را برای بررسی مسیر فطری که خداوند در سرشت اولیه انسان برای نیل به مقصد گذاشته، فراهم می‌کند.

در دیدگاه پیروان حکمت متعالیه، جهان هستی (مشتمل بر وجود خداوند و آفریده‌ها و از جمله انسان) واقعیتی ذومراتب و توحیدی دارد؛ ذو مراتب بودن جهان به معنای اشتغال آن بر موجوداتی با تفاوت مرتبه در حیات، علم، قدرت، زیبایی، توانایی فرمانروایی، رحمت و سایر صفات کمالیه است و توحیدی بودن آن به معنای این است که در بالاترین مرتبه خداوند است که دارای حیات، علم، قدرت، زیبایی و سایر صفات نامحدود است و هستی - بخش همه آفریده‌ها است.

قاعده کلی درباره مراتب جهان هستی این است که مرتبه بالاتر نسبت به مرتبه پایین‌تر از کمالات بیشتری برخوردار است و و به مراتب پایین‌تر هستی می‌بخشد و در پایین‌ترین مرتبه، موجودات مادی قرار دارند که از کمترین میزان حیات، علم، قدرت، نورانیت، زیبایی و سایر صفات برخوردارند.

قاعده دیگر این است که همه موجودات در سلسله مراتب هستی جایگاه مشخصی دارند و نمی‌توانند ارتقای وجودی از مرتبه‌ای که در آن قرار دارند پیدا کنند، مگر انسان که حیات دنیوی خود را از پایین‌ترین مرتبه آغاز می‌کند و استعداد آن را دارد که مظهر اسم جامع الهی

شود و به بالاترین مرتبه وجود در حیات، علم، قدرت، زیبایی و سایر صفات الهی نائل شود. بنابراین انسان زندگی خود را در حیات دنیوی از پایین‌ترین مرتبه آغاز می‌کند و می‌تواند به بالاترین مرتبه دست یابد، لذا جایگاهی سیال در جهان دارد و بگونه‌ای آفریده شده که استعداد سیر در تمام مراتب جهان هستی را دارد.

۲-۳. تبیین حقیقت انسان و هدف خداوند از آفرینش او

الف. تبیین حقیقت انسان: با توضیحی درباره فرآیند آفرینش انسان، حقیقت اصلی وی معلوم می‌شود. حقیقت انسان روح اوست که حیات خود را قبل از حضور در دنیا آغاز کرده و در آنجا حیات معنوی و الهی را در عالمی روحانی و قدسی تجربه کرده است. «انسان در آن عالم سرگرم مشاهده نور جمال پروردگار بوده و از رنج و نقایص و عیوب پاک و از مواهب زندگی شیرین و لذت‌بخش بهره‌مند بوده است» (علامه طباطبایی به نقل از صادقی ارزگانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰).

با آغاز حیات دنیوی و تعلق روح به بدن و ظهور مرتبه مادی، وی از مقام اصلی‌اش بی‌خبر شده و فراموش کرده که اصل و منزل اصلی‌اش کجاست. به تعبیر دقیق‌تر، من یا روح انسان در حیات دنیوی دو تجلی پیدا می‌کند، یکی در قالب من طبیعی و دیگری من الهی. من طبیعی و الهی هر دو همزمان فعالیت خود را در حیات دنیوی آغاز می‌کنند، اما وقوع تدریجی انسان در عالم طبیعت و ظهور تعلقات مادی موجب ظهور و خودنمایی اندک من الهی و حتی فراموشی آن می‌شود. در این حالت ابتدا انسان جهان را با مرتبه مادی آن می‌شناسد و خواسته‌ها و آرزوهای او که جنبه بی‌نهایت‌طلبی دارد به آرزوهای مادی محدود می‌شود.

بر این اساس انسان در حیات مادی در عین اینکه خود را با هویت مادی تعریف می‌کند، ولی حامل استعداد الهی شدن است. از این استعداد با عناوینی نظیر برخورداری انسان از فطرت توحیدی^۱، معرفت و گرایش ربوبی، عشق و معرفت به خدا، استعداد ایمان و خدای درونی یاد می‌شود. با چشم‌پوشی از اینکه با چه واژه‌ای به آن اشاره شود، این استعداد همان من الهی

۱. فطرت توحیدی در دو معنا کاربرد دارد:

فطرت توحیدی در کاربرد اول به معنای برخورداری از استعداد الهی شدن؛ در این معنا از فطرت فرض می‌شود که من یا روح انسان از ظرفیت حیات، علم، قدرت، زیبایی و سایر صفات کمالیه نامحدود برخوردار است و به زبان خاصی

است که منبع حیات، علم، قدرت، زیبایی و قدرت فرمانروایی و رحمت و سایر صفات کمالیه است و درخواست ظهور و بروز دارد و حتی نیازهای خود را با زبانی مخصوص ابراز می‌دارد که اگر والدین و مربیان با آن آشنا باشند، می‌توانند از همان زمان طفولیت به نیاز آن پاسخ گویند^۱ و از فرو رفتن بیشتر در حجاب‌ها و تعلقات مادی پیشگیری کنند.

ب. تبیین هدف خداوند از آفرینش انسان: با توجه به مقدمه بالا می‌توان هدفی را که خداوند برای حیات زمینی انسان لحاظ کرده، مشخص کرد اما قبلاً اشاره کردیم که تمایز نظریه‌های آموزش فطری دین به فهم و شیوه تبیین آنها از هدف آفرینش انسان مربوط می‌شود، لذا این پرسش مطرح می‌شود که در نظریه کاربردی آموزش دین از کدام شیوه استفاده شده است. در نظریه کاربردی آموزش فطری تلاش شده تا اهداف در قالب هدف غایی، اهداف واسطی و اهداف جزئی توضیح داده شود:

الف- هدف غایی

هدف غایی در نظام‌واره اهداف با توجه به مطالبی که بیان شد، عبارت است از ظهور و بروز کامل من الهی یا معرفت و گرایش ربوبی که فرد با آن حیات زمینی را آغاز می‌کند. به عبارت دیگر هدف غایی امری است که به صورت بسیط و اجمالی در انسان موجود است و بناست در گستره زندگی به تدریج از اسارات تعلقات و دلبستگی‌های مادی خارج شود و هویت حقیقی انسان را محقق کند.

ب- اهداف واسطی

مهمترین اهداف واسطی، ایمان^۲ و اخلاق است؛ به این معنا که واسطه تحقق هدف غایی در

نیز نیاز خود را بیان می‌کند، اما به علت ظهور تدریجی من مادی از فروغ کمتری نسبت به من مادی برخوردار است. در این مبحث همین معنا اراده شده است. کاربرد فطرت توحیدی در کاربرد دوم به معنای مجموعه گرایش‌هایی است که در نیروهای شناختی و انگیزشی انسان گذاشته شده و نیاز به فراتر رفتن از درک جهان مادی و نیل به درک توحیدی جهان را در انسان تولید می‌کند و او را به جستجوی آن وامی‌دارد. فطرت در این معنا هم در بعد شناختی و هم گرایشی و هم رفتاری ظاهر می‌شود و منوط به دو شرطی که در ادامه بیان خواهد شد، انسان را به تدریج به درکی رشد یافته از حیات دینی سوق می‌دهد.

۱. در چهار فصل آخر «کتاب مراحل تحول دینداری» درباره مراحل ظهور و بروز من الهی و زبان درخواست آن در گستره تولد تا هیجده سالگی توضیح داده شده است.

۲. شهید مطهری ایمان را شرط وصول به همه کمالات بالقوه می‌داند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۱)، و این به بدین معنا است که فعلیت گرایش‌های خداجویی و خداپرستی و هشیاری به معرفت حضوری انسان نسبت به خدا و نیل به توحید

نظام روانی انسان می‌شوند. نقش واسطی اخلاق در تحقق هدف غایی در مبحث عوامل مختل کننده هدایت فطری توضیح داده می‌شود و نقش واسطی ایمان در تحقق هدف غایی در اینجا توضیح داده می‌شود. پرسش در اینجا این است که شکل‌گیری و تحول در ایمان در گستره عمر، چگونه به ظهور و بروز کامل معرفت و گرایش ربوبی یا همان من الهی منجر می‌شود. پاسخ این پرسش با تبیین چگونگی شکل‌گیری و تحول ایمان در نظام روانی انسان، معلوم می‌شود؛ به لحاظ رشدی، حیات زمینی انسان با شناخت جهان مادی آغاز می‌شود و آرزوهای او هم محدود به آرزوهای مادی می‌شود، اما نیروهایی در نفس انسان گذاشته شده که به تدریج می‌توانند زمینه‌گذار وی را از شناخت جنبه مادی و ظاهری خود و جهان فراهم کنند و طی مراحل زیر انسان به شناخت خدا و ابزار التزام به او یعنی همان ایمان دست یابد.

- فراتر رفتن از جهان مادی و پرسش از خالق جهان مادی و ویژگی‌ها و صفات او
- درک حقیقت رابطه خود و خدا
- ساخت دیدگاهی فراگیر و توحیدی درباره چیستی جهان هستی و جایگاه خود در آن
- شکل‌دهی به دیدگاهی درباره هدف و معنای زندگی دینی
- ارزشیابی ارزشمند بودن یا نبودن زیستن به شیوه دینی و ترجیح زیستن به شیوه دینی بر سایر شیوه‌ها

- ابراز التزام به خدا و به زندگی کردن در چارچوب آموزه‌های دینی
 - جاری کردن آن در ساحت‌های مختلف زندگی
- جاری کردن ایمان در زندگی یا همان انجام عمل صالح موجب افزایش شناخت و محبت خدا و افزایش شناخت و محبت به خدا موجب انجام عمل با کیفیتی بالاتر در مرحله بعد می‌شود. استمرار این وضعیت و برقراری رابطه دیالکتیکی بین شناخت و عمل در طول زندگی، زمینه سیر از کثرت‌بینی به یگانه‌بینی و از معشوق‌های متعدد به معشوق واحد و عمل ناخالص به عمل خالصانه یا همان توحید در معرفت و محبت و اطاعت را فراهم می‌کند.
- با این بیان روشن شد که معرفت و گرایش ربوبی اولیه در انسان از طریق فعالیت ایمانی

ربوبی تنها از طریق شکل‌دهی به ایمان و تحول در آن حاصل می‌شود. نتیجه این مطلب برای چگونگی آموزش دین این است که بایستی بر فهم فرایند کسب ایمان در طول زندگی متمرکز شد و نقش شناخت‌ها و گرایش‌های فطری را در ضمن شکل‌دهی به ایمان و تحول در آن درک کرد.

و برقراری رابطه دیالکتیکی بین شناخت و محبت خدا از یک طرف و عمل از سوی دیگر، موجب ظهور یافتن مراتبی از توحید در انسان می‌شود.

ج- اهداف جزئی

اهداف جزئی فعالیت‌هایی است که به واسطه آنها ایمان و اخلاق در نظام روانی انسان شناخته می‌شود. بنابراین پرسش از اهداف جزئی پرسش از مجموعه فعالیت‌هایی است که به شکل-گیری ایمان و اخلاق در انسان منجر می‌شود. با توضیحی درباره چگونگی فعالیت روح یا من در حیات زمینی پاسخ این پرسش معلوم می‌شود.

خداوند روح یا من را طوری آفریده که به طور دائم در حال حرکت و تلاش برای برآوردن نیازهای جسمی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است که از درون سر برمی‌آورد. از سوی دیگر خداوند دستیابی به ایمان و توحید را منوط به این کرده که از طریق ارتباط با جهان خارج (عالم طبیعت، اجتماع و عالم ماورالطبیعی) و به شیوه خاصی این نیازها را برآورده است تا به سعادت و لذت برسد. علامه طباطبایی می‌گوید: انسان به‌عنوان یکی از اجزای هستی، مسیر خاصی برای حیاتش دارد که سلوک در آن، سیر او را به سعادت و توافق با سایر اجزای عالم هدایت می‌کند و در نتیجه ابواب آسمان و گنج‌های زمین بر او گشوده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص. ۲۰۰)؛ زیرا اجزای عالم که جاری بر نظام واحدی هستند مرتبط با انسان و مسخر برای اویند (همان، ج ۱۸، ص. ۱۶۱).

بنابراین هر فعالیتی که برای آوردن نیازها انجام می‌شود یا از این شیوه‌ای که خداوند برای برآوردن نیازها مشخص کرده، پیروی می‌کند که در این صورت به رشد ایمان و توحید کمک می‌کند و یا بر عکس به تضعیف ایمان و توحید منجر می‌شود. بنابراین رفتاری نیست که بر ایمان تأثیرگذار نباشد، در واقع ایمان عین زندگی کردن است و امری جدا از فعالیت‌های انسان در زندگی روزمره نیست.

بر این اساس در رأس ساختمان نظامواره اهداف، توحید ربوبی قرار دارد. ایمان و اخلاق به عنوان اهداف واسطی و تمام فعالیت‌هایی که انسان برای برآوردن نیازها در ساحت‌های مختلف انجام می‌دهد، به عنوان اهداف جزئی در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳. تبیین چیستی فطرت و نظام هدایتگری فطری بمنزله امر محقق کننده هدف آفرینش

در مباحث قبلی اشاره شد که مفروضه پژوهشگران در مطالعه فطرت این است که خداوند انسان را برای نیل به هدف خاصی خلق کرده و نظام هدایتگری فطری در ساختار وجودی او نهاده است که او را به سوی آن هدف هدایت می‌کند. با توجه به معلوم شدن اهداف خداوند از آفرینش انسان، در این مبحث مقصود از فطرت و نظام هدایتگری فطری بررسی می‌شود:

الف) چیستی فطرت: نزاع بر سر ماهیت فطرت نزاع بر سر این مطلب است که آیا فطرت به ساحت و بعد خاصی در انسان اشاره دارد و یا به کلیت وجود انسان (مشمول بر ساختار روح، بدن و نیروهای روانی و بدنی)؟

در نظریه کاربردی آموزش فطری دین، مفروض این است که فطرت به کلیت وجود انسان اشاره دارد؛ به این معنا که ساختار روح، بدن و نیروهای روانی و بدنی به گونه‌ای آفریده شده‌اند که فعالیت آنها موجب راه‌اندازی فرآیند رشد مرحله‌ای انسان در حیات زمینی و رشد مرحله‌ای انسان واسطه تحقق ایمان و ایمان واسطه ظهور و بروز معرفت و عشق به خداوند است. علامه جعفری با تصریح به این معنا می‌گوید: فطرت عبارت است از جریان طبیعی و قانونی نیروهایی که در انسان به وجود می‌آید. بنابراین، برای هریک از نیروهای غریزی و مغزی و روانی، فطرتی وجود دارد که جریان طبیعی و منطقی آن نیرو می‌باشد (جعفری، ۱۳۶۲، ص. ۱۴۱).

ب) تبیین نظام هدایتگری فطری^۱: براساس تفسیر فوق از فطرت، خداوند نه تعدادی گرایش یا شناخت فطری بلکه نظام هدایتگری فطری در سرشت اولیه انسان نهاده که زیست-بوم مناسب برای تحقق ایمان و ظهور و بروز معرفت و عشق به خداوند را فراهم می‌کند و تبیین آن به معنای کشف قوانین تکوینی حاکم بر فعالیت‌های روح، بدن و نیروهای روانی و بدنی است که زیست‌بوم مناسب برای تحقق ایمان و ظهور و بروز معرفت و عشق به خداوند را در دنیای درون به وجود می‌آورد.

توضیح بیشتر اینکه فعالیت نیروهای روانی و بدنی در فرآیند رشد مرحله‌ای انسان در

۱. در منابع عموماً از اصطلاح امور فطری یا احکام فطرت برای بیان ویژگی‌های فطری استفاده می‌شود ولی ما از واژه نظام هدایتگری فطری استفاده کردیم چرا که یک نظام مشتمل بر نیروهای متعددی در دنیای درونی انسان گذاشته شده که تعامل مستمر و متقابل آنها، اهداف آفرینش را محقق می‌کند.

حیات زمینی، در مرحله اول زمینه شناخت و گرایش به جهان مادی و تحقق مرتبه مادی انسان را فراهم می‌کنند و در ادامه با درک محدودیت‌های جهان مادی، به ساخت ایمان در چارچوب فرایندی که در مبحث هدف از آفرینش انسان توضیح داده شد، روی می‌آورند و سیر انسان را به سوی حیات معنوی و الهی امکان‌پذیر می‌سازند.

با توجه به این وضعیت، پرسش از ماهیت نظام هدایتگری فطری، پرسش از ماهیت فرایندهای فطری و ذاتی است که زمینه فراتر رفتن از حیات مادی و درک حیات معنوی و الهی را فراهم می‌کند. پاسخ به این پرسش مستلزم پاسخ به سه پرسش فرعی زیر است:

۱. کدام توانایی یا گرایش‌های فطری و ذاتی در ساختار نیروهای درونی گذاشته شده که انسان را به فراتر رفتن از درک حقایق مادی و درک حقایق ماوراء الطبیعی و پرسشگری درباره خدا و تلاش برای شکل‌دهی به ایمان در زندگی سوق می‌دهد؟

۲. نیروهای تأثیرگذار بیرونی بر فعالیت نیروهای درونی در شکل‌دهی به ایمان کدام‌اند و این نیروها چگونه بر کارکرد نیروهای درونی تأثیر می‌گذارند؟

۳. تحول در هویت ایمانی مبتنی بر تحول در نیروهای درونی در طول عمر چگونه است؟ پاسخ این سه پرسش اولاً ماهیت نیروهای سازنده نظام هدایتگری فطری و ثانیاً نحوه کنشگری آن را در شکل‌دهی به مرتبه مادی انسان و شکل‌دهی به مرتبه معنوی و الهی را در طول زندگی مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که معرفت و عشق اولیه خداوند در انسان چگونه به معرفت و شناخت تفصیلی تبدیل می‌شود.

در نظریه کاربردی آموزش فطری دین، با پذیرش تفسیر فوق از ماهیت فطرت و نظام هدایتگری فطری، تلاش شده تا از طریق پاسخ به سه پرسش فوق، از هویت نظام هدایتگری فطری پرده برداری و نشان داده شود که فرآیند حرکت ذاتی و دائمی نفس به سوی پروردگار در گستره تولد تا هیجده سالگی چگونه است. گزارش پژوهش در کتاب «رویکرد اسلامی به مراحل تحول دینداری» و کتاب «تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان» آمده است و در اینجا به چکیده یافته‌ها در پاسخ به سه پرسش اشاره می‌شود:

۱. در پاسخ به پرسش اول از هفت گرایش فطری در نیروهای روانی و بدنی نامبرده شده که در مجموع انسان را مستعد حیات اخلاقی، معنوی و الهی می‌کند. فعالیت این نیروها به گونه‌ای است که انسان را به سوی ارتباط با جهان خارج برای برآوردن نیازها سوق می‌دهد

و در تعامل با عوامل بیرونی است که هویت ایمانی را عینیت می‌بخشند (نوذری، ۱۴۰۱، ص. ۳۵-۲۴)، این هفت گرایش فطری عبارتند از:

- تمایل و عشق ذاتی به برخورداری از لذت، سعادت و کمال نامحدود (در بُعد انگیزشی)؛
- گرایش فطری به شناخت خدا به عنوان پدیدآورنده و خالق جهان (در بُعد شناختی)؛
- گرایش فطری به شکل‌دهی به ایمان انسانی (ساخت هدف و معنای زندگی) (در بُعد شناختی)؛

• گرایشی فطری در مقام داوری به ترجیح حق، خیر و زیبایی بر باطل، شر و زشتی و تبدیل ایمان انسانی به ایمان دینی (در بُعد شناختی)؛

• گرایش فطری-انفعالی برای تبدیل ایمان عقلی به قلبی و شکل‌دهی به احساسات دینی (در بُعد گرایشی)؛

- ظرفیتی فطری در بُعد تخیلی وجود انسان برای شکل‌دهی به ایمان (در بُعد شناختی)؛
 - تأثیر نیروهای مربوط به مرتبه بدنی انسان بر شکوفایی فطرت الهی (در بُعد جسمی).
- فرآیند کنشگری نیروهای فطری انگیزشی، شناختی و گرایشی فوق در شکل‌دهی به هویت دینی به اجمال در فصل بعدی آمده است برای آشنایی تفصیلی می‌توان به کتاب تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان صفحات ۳۵-۲۴ مراجعه کرد.

۲. در پاسخ به پرسش دوم یعنی چگونگی تأثیرگذاری عوامل بیرونی بر کارکرد نیروهای درونی، به نقش سه دسته عامل: اجتماع و فرهنگ، عوامل ماوراء الطبیعی و دین اشاره شده است. مفروضه مهمی که در بررسی عوامل بیرونی مورد توجه قرار گرفته این است که خداوند جهان را بر نظام واحدی آفریده، به این معنا که خداوند انسان را برای نیل به توحید آفریده و آفریده‌های دیگر را برای انسان و مسخر او قرار داده است تا نیل به توحید محقق شود.

خداوند همچنین مسیری را برای ارتباط با اجزای عالم مشخص کرده است که سلوک در آن مسیر موجب می‌شود تا اجزای عالم برکات خود را به انسان عطا کنند و سیر رشد او را هموار سازند. بر این اساس تأثیرگذاری عوامل بیرونی به معنای کشف مسیری در نظر گرفته شده که سلوک در آن مسیر به رشد معنوی و الهی می‌انجامد (همان، صص. ۳۷-۴۲).

در پاسخ به پرسش سوم، مراحل تحول ایمان مبتنی بر تحول در توانایی نیروهای درونی

در گستره تولد تا هیجده سالگی بررسی شده و فرآیند کسب ایمان و قوانین حاکم بر آن توصیف و تبیین شده است. این مبحث در واقع فرآیند کنشگری نظام هدایت فطری را در فرآیند کسب ایمان از خلال فعالیت نیروهای درونی و بیرونی نشان می‌دهد. این مبحث زمینه سفر به دنیای درونی کودک و نوجوان و مشاهده نحوه فعالیت نیروهای درونی در کسب ایمان و ظهور و بروز معرفت و عشق به خداوند را فراهم می‌کند (نوذری، ۱۴۰۰، صص. ۱۳۵-۳۳۰).

بر این اساس، تفاوت نظریه کاربردی آموزش فطری دین با دو نظریه قبلی در امور زیر نمود پیدا می‌کند:

۱. آفرینش خاص انسان مربوط به صرف ساحت روحانی و متعالی انسان نیست بلکه مربوط به کلیت وجود است و ساختار روح، بدن و نیروهای روانی و بدنی را دربرمی‌گیرد.
۲. نظام هدایت‌گری فطری در انسان برنامه‌ای است که رشد مرحله‌ای انسان در بستر حیات اجتماعی را موجب می‌شود و از خلال آن به تدریج هدف غایی محقق می‌شود نه اینکه مشتمل بر صرف گرایش به خداجویی یا خداپرستی یا شناخت فطری خداوند باشد.
۳. امور فطری یا نظام هدایت‌گری، وجودی مستقل از ساختار روح و بدن و نیروهای روانی و بدنی ندارد و موجود بودن آنها در انسان به این معناست که در ساختار آفرینش آنها، ویژگی‌ها و توانایی‌های گذاشته شده که فعالیت نظیر خداجویی، خداپرستی و شکل‌دهی فطری به ایمان از آنها سر می‌زند. تفاوت فطرت انسان و حیوان هم در این ویژگی‌ها و توانایی‌هاست؛ بدین معنا که ساختار روحی و بدنی حیوان و نیروهای آن به گونه‌ای است که نمی‌تواند امور مذکور از آنها سر بزند.
۴. تبیین تجربی و نظری امور فطری به جای صرف تبیین نظری: توضیح اینکه در این پژوهش مفروض این است که نیروهای انگیزشی، شناختی و گرایشی فطری در حال تحول هستند و مبتنی بر تحول در آنها، توانایی انسان برای کسب ایمان و معرفت و عشق به خداوند افزایش می‌یابد. بنابراین به شیوه تجربی نشان داده شده که تحول در مؤلفه‌های ایمان مبتنی بر تحول در نیروهای فطری انگیزشی و شناختی و گرایشی در گستره تولد تا هیجده سالگی چگونه است.
۵. تدوین یافته‌ها در قالب شبکه‌ای از نظریه‌های مرتبط به هم که در مجموع، اندیشه‌ای

نظامند را برای هدایت کلیه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی نظریه‌پردازی مبتنی بر فطرت، تولید منظومه‌ای از دانش‌های تربیتی است، که بنیان‌های علمی مورد نیاز برای سامان‌بخشی به فرآیند آموزش دین در نظام تعلیم و تربیت رسمی را فراهم کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، دستیابی به این هدف مستلزم رعایت نکات زیر به عنوان قواعد کلی تولید نظریه‌های کارآمد فطری است:

۱. گزینش نظریه مناسب درباره فطرت، نظریه‌ای که ظرفیت امتدادبخشی به آن برای تولید منظومه علوم تربیتی معیار را داشته باشد.

۲. ارتقای بحث از فطرت به عنوان چند گرایش درباره انسان به بحث انسان‌شناسی فطری و مشتمل بر مباحث مبانی جهان‌شناختی و انسان‌شناختی؛ تبیین فطرت و امور فطری به منزله نظام هدایتگری؛ تبیین عوامل مختل‌کننده نظام هدایتگری فطری و تبیین مقصود از انطباق دین و فطرت.

۳. تعیین روش‌شناسی سیر از انسان‌شناسی فطری به تولید منظومه علوم تربیتی تجربی و تجویزی.

۴. ایجاد تعامل دیالکتیکی بین تولید نظریه و حوزه فرآیند تربیت به گونه‌ای که دائماً هم کیفیت آموزش دین متحول شود و هم کارآمدی نظریه‌های تربیتی تولید شده، مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهادهای پژوهشی

مجموعه پژوهش‌هایی که گزارش گردید، گرچه امتداد نظریه فطرت را در قالب نظریه‌های تربیتی متعددی بررسی کرده، اما تا رسیدن به منظومه علوم تربیتی مورد نیاز راهی طولانی در پیش است و پژوهش‌های فراوانی دیگری مورد نیاز است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. امتداد نظریه فطرت به سایر قلمروهای علوم تربیتی نظیر رهبری آموزشی در مدرسه،

تکنولوژی آموزشی

۲. امتداد نظریه فطرت به سایر حوزه‌های تربیت و یادگیری در سازمان پژوهش مانند

آموزش علوم انسانی، طبیعی، ریاضی، هنر، تربیت بدنی

۳. ارتباط میان دین‌داری و جنبه‌های بدنی و زیستی از مسائلی است که شواهد زیادی برای آن در سنت اسلامی می‌توان یافت اما تاکنون کار جدی درباره آن انجام نشده است.

۴. بررسی تجربی شکل‌گیری و تحول دین‌داری در کودکی دوم: محدودیت‌های زمانی موجب شد که تحول دین‌داری در کودکی دوم به شیوه تجربی بررسی نشود لذا انجام این کار در قالب یک رساله دکتری می‌تواند به تکمیل این کار کمک کند.

۵. بررسی شکل‌گیری و تحول در انگیزه‌های دینی: تحول در انگیزه‌های دینی در این پژوهش از راه تحول در انگیزه کودک در فعالیت دعا و نیایش بررسی شد در حالی که خود نیازمند پژوهش مستقلی است.

۶. بررسی شکل‌گیری و تحول در احساس دینی: شکل‌گیری و تحول در احساس دینی همانطور که اشاره شد امری است که بدون وابستگی به شناخت دینی رشد یافته در کودکی و نوجوانی می‌دهد و می‌توان آن را برحسب مبانی نظری نیز اثبات کرد ولی تاکنون بررسی‌های جدی درباره آن انجام نشده است.

منابع

ابراهیمی، محسن (۱۴۰۲). اصول تدوین برنامه درسی تربیت اعتقادی بر اساس رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی. (رساله دکترا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ایران).

ابراهیمی، محسن؛ و نوذری، محمود (۱۴۰۳). تبیین مفهوم قرآنی فطرت‌گرایی توحیدی براساس اندیشه‌های انسان‌شناختی آیت الله شاه‌آبادی (ره). نشریه مطالعات قرآنی. ۶۰: ۲۷-۴۹
اعتصامی، محمدمهدی؛ و راصد، سعید (۱۳۹۰). مبانی و روش تدریس تعلیم و تربیت دینی در دوره ابتدایی. تهران: انتشارات مدرسه.

امام خمینی، روح الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

الآمدی التمیمی (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی
باقری خسرو (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. ج ۲، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

تجاری مقدم، هاجر؛ امین‌خندقی، مقصود؛ و قندیلی سیدجواد (۱۳۹۹). تبیین عناصر و مولفه‌های برنامه درسی فطرت‌گرایی توحیدی در تربیت دینی متربیان. مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش. ۳ (۳۰)، ۱۳۴-۱۵۴

۶۶ فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۱۳، شماره ۲۸، بهار ۱۴۰۴

جعفری، محمدتقی (۱۳۶۲). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: نشر فرهنگ اسلامی
جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی
جمهوری اسلامی ایران.

جوادی، آملی (۱۳۸۶). فطرت در قرآن. قم: نشر اسراء.
حائری شیرازی، محمدصادق (۱۴۰۲). راه رشد. چهار جلد. قم: نشر معارف.
حق دوست، صغری و فرخی، محرمعلی (۱۳۸۴). روش تدریس هدیه‌های آسمانی. تهران: ضریح
آفتاب.

حیدری ابهری، غلامرضا (۱۴۰۱). خداشناسی قرآنی کودکان. قم: نشر جمال
خداپاری فرد، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن؛ و رحیمی نژاد،
عباس (۱۳۹۱). مبانی نظری و روش شناسی مقیاس‌های دینداری (به انضمام پرسشنامه‌های
دینداری). تهران: آوای نور

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای هماهنگی علمی
(۱۳۹۵). گفتارهایی درباره برنامه درسی فطرت‌گرا بر اساس برنامه درسی ملی. تهران: انتشارات
مدرسه.

شاه‌آبادی، نورالله (۱۳۹۷). شرح رشحات البحار. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱). سند برنامه درسی ملی، تهران: شورای عالی آموزش و
پرورش.

صادقی‌ارزگانی، محمدمامین (۱۳۹۵). فرآیند وجودی انسان از آغاز تا انجام. تهران: موسسه تنظیم و
نشر.

صفائی حائری، علی (۱۴۰۰). مجموعه آثار علی صفائی حائری (۷۱ جلدی). تهران: لیلۃ القدر
طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۴). تفسیر المیزان. ۲۰ ج، قم: اسماعیلیان.
طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷). معنویت تشیع. جمع‌آوری و تنظیم محمد بدیعی، قم: انتشارات
تشیع.

طباطبایی نژاد، سید سجاد و نوذری، محمود (۱۴۰۳). آموزش دینی: روش تدریس هدیه‌های آسمان.
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان.

طوسی، اسدالله (۱۳۹۴). الگوی نظام تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر فطرت (رساله دکترا، مؤسسه
آموزشی و پژوهشی امام خمینی).

علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۸). نظریه اسلامی رشد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

ارزیابی کارآمدی نظریه‌های فطری آموزش دین در سامان بخشی ... / محمود نوذری ۲۷

- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۴). رویکردی نمادین به تربیت دینی. تهران: قدیانی
- مرزوقی، رحمت‌اله؛ و حدادنیا، سیروس (۱۳۹۳). فطرت بنیاد تربیت. تهران: انتشارات آوای نور.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). فطرت. تهران: انتشارات صدرا.
- مظلومی، رجبعلی (۱۳۷۴). تربیت معنایی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ملکی، حسن (۱۳۹۱). شبکه مفهومی ساختار یک واحد یادگیری کتاب درسی و ساختار کتاب راهنمای معلم. تهران: دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب‌های درسی.
- ملکی، حسن (۱۴۰۰). هویت دینی برنامه درسی. تهران: موسسه فرهنگی برهان.
- نوذری، محمود (۱۳۸۹). بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی و نوجوانی و آغاز جوانی. رویکردی روانشناختی دینی (رساله دکتری، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره).
- نوذری، محمود (۱۳۹۵). توسعه مفاهیم اساسی برنامه درسی: فطرت گرایی توحیدی و ایمان. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش
- نوذری، محمود (۱۳۹۶). روانشناسی تحول دینداری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- نوذری، محمود (۱۴۰۰). رویکرد اسلامی به مراحل تحول دینداری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان.
- نوذری، محمود (۱۴۰۱). تربیت دینی در دوره دبستان و دبیرستان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان.